

نقد و بررسی دیدگاه تعامل با آمریکا به عنوان راهبرد حل مشکلات کلان اقتصادی کشور

smk_rajae@yadoo.co.uk

سیدمحمد کاظم رجائی / دانشیار گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۳

دریافت: ۹۷/۰۶/۱۷

چکیده

در دیدگاه تعامل با آمریکا، جهانی شدن یک پدیده خودجوش است که قدرت‌های بزرگ این حرکت را تسریع می‌بخشند. پیشرفت و رفاه، از طریق قرار گرفتن در دهکده جهانی و جهانی شدن پدید می‌آید. هر کشوری در صورتی از مزایای جهانی شدن بهره‌مند می‌شود که بتواند همگرایی خود با نظام جهانی را به اثبات برساند. جهانی شدن، تغییراتی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را مطالبه می‌کند. در روند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، سرمایه به سمت مناطقی از جهان میل پیدا می‌کند که نسبت به معیارهای نظم جهانی بیشتر تمکین کند. عمده معیارهای نظم جهانی، عبارتند از: کنار گذاشتن تنش با اسرائیل، کاهش قدرت بخش سنتی حاکمیت، جدایی دین از سیاست، کاهش هزینه‌های نظامی و استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب. هدف مقاله، تبیین دیدگاه تعامل و نقد آن، با روش تحلیلی - توصیفی است.

کلیدواژه‌ها: تعامل با آمریکا، جهانی سازی، اقتصاد سیاسی، نظم جهانی، معیارهای نظم جهانی.

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

پرداخته‌اند. به دلیل نگرش راهبردی به مسئله و تمرکز بر برنامه‌ریزی و برجسته‌سازی راهبرد تعامل با اقتصاد جهانی، سه کتاب زیر و پیش‌نویس لایحه برنامه ششم توسعه، از برجستگی بیشتری در این موضوع برخوردارند.

۱. *اندیشه سیاسی اسلام، مبانی نظری* (روحانی، ۱۳۸۸)، جلد اول کتاب، به دو بخش مبانی نظری نهضت اسلامی و مبانی نظری دولت اسلامی تقسیم و بخش دوم کتاب، در هفت فصل تدوین شده است. در فصل اول، مشروعیت حاکمیت چنین آمده است: «حکام بدانند که حق حکمرانی دارند و مردم و حکومت‌شوندگان نیز این حق را برای آنها قائل باشند و قبول داشته باشند» (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴). سپس مشروعیت را به مشروعیت قبل از استقرار نظام، مشروعیت قانونی و مشروعیت پس از استقرار نظام حکومتی تقسیم و در قسم اول، گریزی به مشروعیت انقلاب اسلامی می‌زنند و مشروعیت الهی و تکیه به آرای مردم را به عنوان دو رکن مشروعیت بیان می‌کنند. در مشروعیت قانونی، نتیجه‌گیری می‌کنند که مشروعیت حکومت ج.ا.ا. نوعی مشروعیت مرکب است. اما در مشروعیت قسم سوم، مشروعیت الهی بکلی فراموش و به این نتیجه می‌رسند که ممکن است حکومتی، مانند حکومت کودتای جمال عبدالناصر، در آغاز امر فاقد مشروعیت باشد، ولی با کارآمدی، مشروعیت کسب کند یا بعکس، یک حکومت ممکن است با داشتن مشروعیت اولیه، به علت ضعف کارایی مشروعیت خود را از دست داده، سقوط کند. وی معیار کارآمدی و عدم کارآمدی را پذیرش افکار عمومی می‌داند. روح حاکم بر مشروعیت حاکمان را کارآمدی و معیار کارآمدی را همراهی افکار عمومی می‌داند. یکی از مهم‌ترین معضلاتی که با کارآمدی نظام ما گره خورده و مشروعیت نظام ما را زیرسؤال می‌برد؛ مسئله جهانی شدن است که باید به سرعت خود را با آن هماهنگ کنیم. جهانی شدن چه به عنوان یک پروژه غربی و چه به عنوان یک فرایند چندبعدی، در همه حوزه‌های نهادی زندگی، اعم از اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژیکی، حقوقی، نظامی و سیاسی، به سمت تحقق به پیش می‌رود. همگرایی، وابستگی متقابل، درهای باز، نفوذ متقابل و تخصصی شدن حوزه‌های فعالیت صنعتی، مفاهیمی هستند که در چارچوب جهانی شدن محقق می‌شوند (همان، ص ۲۱۵). در بحث جهانی شدن، دورنمای جهان فردا؛ جهانی

در نخستین روز فروردین ۱۳۹۴، رهبر معظم انقلاب در جوار حرم مطهر رضوی، پس از اینکه وضعیت کشور را به دلیل سیاست‌های خصمانه آمریکا، صحنه کارزار و جنگ اقتصادی معرفی و ورود در فعالیت‌های اقتصادی کشور را ورود در عرصه جهاد معرفی کردند، فرمودند: «در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد. من خواهش می‌کنم بخصوص صاحب‌نظران و همچنین جوانان و عامه مردم عزیزمان به این نکته توجه کنند که دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد؛ یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم.

ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است. از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این یک نگاه است که می‌گویند برای رونق اقتصادی نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آنها را به درستی به کار بگیریم، [آن وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این یک نگاه.

نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست. می‌گوید: سیاست خارجی مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوم است.

این مقاله، به دنبال تبیین دیدگاه دوم، یعنی دیدگاه مقابل اقتصاد مقاومتی، یا دیدگاه نگاه به خارج است. از این دیدگاه، می‌توان با عنوان دیدگاه «تعامل با آمریکا» یا به تعبیر پیش‌نویس برنامه ششم، «تعامل با قدرت‌های مؤثر جهانی» نام برد. مقاله در مقام تبیین این دیدگاه و شفاف‌سازی راهبردهای آن است.

پیشینه بحث

کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره جهانی شدن و دیدگاه تعامل با آمریکا و اروپا به رشته تحریر درآمده، یا به نوعی به این بحث

معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه، در کتاب *مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه* (۱۳۸۳) اثر دیگری در این زمینه است. از نگاه این کتاب، مهم‌ترین ویژگی نظام بین‌المللی، تسلط تقریباً کامل قدرت آمریکا بر نظام بین‌الملل و عدم وجود قدرت متعادل‌کننده در برابر این کشور می‌باشد (همان، ص ۵۳ و ۵۴). وابستگی‌های جهانی، برای رفع مشکلات کلان اقتصادی را نه تنها اجتناب‌ناپذیر، که برای رشد و تعالی اقتصادی، یک اصل معرفی می‌کند (همان، ص ۳۵). از دیدگاه کتاب مزبور، جمهوری اسلامی ایران در تقابل با قدرت آمریکا و اسرائیل، با حالت انزوا و صرفاً متکی بر خود، قادر نخواهد بود مسائلی از قبیل فقر، بیکاری، عدم توسعه، عدم تولید، عدم صادرات و... را حل کند (همان، ص ۳۴۲ و ۳۴۳). از نگاه کتاب مزبور، ایران ذاتاً باید طرفدار تغییر وضع موجود خود، در قالب حفظ وضع موجود بین‌المللی باشد. تعارض‌گری ستیزجویانه، به انحطاط ایران دامن خواهد زد (همان، ص ۳۳۹).

ستاد برنامه ششم، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، متن کامل لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه (مصوب ستاد برنامه ششم)، این متن اولین متنی است که توسط ستاد برنامه ششم، در سال ۱۳۹۳ منتشر شد. متن، مرکب از یک ماده واحده و ۴۵ تبصره است. در مجموع می‌توان گفت: لایحه پیشنهادی در تلاش است گام‌هایی عملیاتی به سمت جهانی‌شدن و پذیرش معیارهای جهانی، که در نظریه جهانی‌شدن تئوریزه شده، بردارد. مجموعه منابع فوق، تقریباً از یک مبنای فکری برخوردارند و تعامل و هم‌پیوندی با آمریکا و هم‌پیمانان آن و تغییر وضع موجود کشور، در قالب پذیرش وضع موجود بین‌المللی را دنبال می‌کنند. با این تفاوت که کتاب مبانی برنامه چهارم، از شفافیت بیشتری برخوردار و با صراحت بیشتری این مباحث را بیان کرده است.

استدلال دیدگاه تعامل

طرف‌داران دیدگاه تعامل با آمریکا و متحدان آن، استدلال می‌کنند که جهانی‌سازی شروع شده، و جهانی‌شدن اجتناب‌ناپذیر است، امنیت ملی ماهیت فراملی پیدا کرده و تحولات به زیان کشورهایی است که در تعامل با قدرت‌های مؤثر در دهکده جهانی تعلل کنند. در جهانی‌شدن، حرکت به سمت یکسان‌سازی ارزش‌ها،

با یک قانون عام با یک بازار بزرگ، فرهنگ‌های شبیه به هم، الگوهای جهانی و حتی چگونگی فکر کردن مشابه، قضاوت مشابه و... مطرح است (همان، ص ۲۱۷).

۲. کتاب *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران* (روحانی، ۱۳۸۹). با اختصاص بیست و چهار فصل به کتاب، به‌ویژه در فصل بیست و دوم، یعنی «جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر امنیت ملی»، به خوبی وارد تبیین این دیدگاه شده‌اند. گرچه فصول کتاب، که توسط افراد مختلف به رشته تحریر درآمده، از روش‌شناسی متفاوت در تحقیق و نگارش برخوردار است، اما، نگاه تعامل، دیدگاه مشترک فصول مرتبط با موضوع است؛ با این که کتاب چند سال پس از طرح بحث پیشرفت در مقابل توسعه، توسط مقام معظم رهبری، و ایجاد یک مرکز، برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توسط معظم‌له نگاشته شده است. همچنین، در پیش‌گفتار کتاب بر لزوم بومی‌سازی و بی‌بدیل بودن الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تأکید شده، ولی از فصل اول، که سخن از مبانی نظری امنیت ملی به میان آمده، آن الگو بکلی فراموش شده و در فصل بیست و چهارم، نظریه‌های مکاتب نهادگرایان و کینزی‌های جدید را با الگوی مطلوب توسعه در جمهوری اسلامی ایران، دارای قرابت می‌داند (همان، ص ۷۸۲). به‌ویژه بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب، که در مکاتب یادشده مورد توجه است، تأکید شده است. سرانجام، با مقایسه الگوی مطلوب توسعه از منظر سند چشم‌انداز و قانون اساسی جمهوری اسلامی، به این نتیجه می‌رسد: «نطباق الگوی توسعه سند چشم‌انداز و سیاست‌های اصل ۴۴ با رویکرد کینزی جدید و نهادگرایی تأیید می‌شود» (همان، ص ۷۸۵).

در کتاب مزبور، جهانی‌شدن و ایجاد تغییرات مورد مطالبه جهانی‌شدن، اجتناب‌ناپذیر و پیشرفت و رفاه کشور، منوط به الحاق به پیوستن به دهکده جهانی معرفی شده است (همان، ص ۷۸۵). همچنین بر این مسئله تأکید شده که اعتمادسازی بین‌المللی از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که می‌تواند ایران را از وضعیت نامطلوب تحریم‌ها خارج سازد. کوشش برای تغییر شرایط فعلی و خروج از وضعیت تحریم، از الزامات جدی کشور می‌باشد (ر. ک: همان، ص ۷۲۹). از نظر این کتاب، در فرایند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، سرمایه به سمت مناطقی از جهان، که از ثبات بیشتری برخوردار باشند و مناطقی که مناسبات موردنظر نظم جدید اقتصادی را بیشتر فراهم کرده باشند، میل خواهد کرد (همان، ص ۸۱ و ۸۰).

عنوان مرزهای جداکننده ملت‌ها، به طور معناداری عمل نمی‌کند. یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی در حال افزایش است. افزایش وابستگی متقابل جهانی، تا حد زیادی به عنوان پاسخی نسبت به کاهش حاکمیت ملی، طبیعی به نظر می‌رسد. چندین عامل، موجب این وابستگی متقابل می‌شود: برخی از آنها عبارتند از: افزایش انواع معاملات بین‌المللی، افزایش منابع جهان و تولیدات چند ملیتی، تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی و پیوستن کشورها به این کنوانسیون‌ها. البته پس از پیوستن کشورها به این کنوانسیون‌ها، مفاد آن کنوانسیون‌ها مانند قوانین داخلی کشورهای عضو خواهد بود. گسترش شباهت‌های جهانی ارزش‌های مادی، که منجر به افزایش تشابه درخواست‌ها و آمال ملل جهان شده است. استاندارد شدن بیشتر نظام‌های تسلیحاتی، در سطح بین‌المللی حداقل تا حدودی به دلیل کاهش اهمیت تولید و استفاده از سلاح‌های داخلی، گسترش دموکراسی سیاسی که موجب تسهیل در درک متقابل و ظهور زمینه‌های مشترک بین ملت‌های دارای ایدئولوژی مشابه شده است (ر.ک: روحانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵ و ۴۶؛ روحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۹ و ۲۹۲).

در قرن بیست و یکم، تلاش و تنازع برای پیشرفت و رفاه تحت تأثیر جهانی شدن است و دست‌کم تا جایی که به فناوری، به‌ویژه در عرصه ارتباطات و اطلاعات مربوط می‌شود، فرایندی برگشت‌ناپذیر است (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۴).

دولت‌ها در مواجهه با جهانی شدن بی‌سابقه از دهه ۱۹۶۰ به بعد، دیگر نمی‌توانند به معنای سنتی، «خودمختار» باشند. به دلایل عملی و نظری، در شرایط جهانی شدن معاصر، یک دولت نمی‌تواند بر یک کشور و روابط خارجی آن حاکمیت غایی، جامع، مطلق و منفرد اعمال کند (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۲). مفهوم «حاکمیت» در ابعاد مختلف، پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز، مرتب محدود شده و مفهوم پیشین خود را از دست داده است (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵). ندای مخالفت با هم‌پیوندی با نظام جهانی در کشور، ناشی از به خطر افتادن منافع اقتصادی و سیاسی برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی است (ر.ک: روحانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۶ و ۷۲۷).

ب. ضرورت سرعت بخشیدن به سمت تغییرات

مورد مطالبه دهکده جهانی

جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای خودجوش، که توسط برخی قدرت‌ها

ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌هاست. وابستگی متقابل جهانی، تا آنجا پیش می‌رود که کاهش حاکمیت ملی، طبیعی به نظر می‌رسد. کنوانسیون‌های بین‌المللی و پیوستن کشورها به آنها، موجب می‌شود مفاد کنوانسیون‌ها همانند قوانین داخلی کشورهای عضو شود.

کشورها برای ارتقای سطح تولید ملی و رشد اقتصادی، نیاز به منابع اولیه، دانش فنی و نیروی متخصص دارد. دنیای غرب پیش‌تاز تخصص، دانش فنی و رشد اقتصادی بالاست. تجربه تاریخی، ثابت کرده است که حل معضلات اقتصادی در جهان، از طریق اتصال به اقتصاد جهانی و بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری خارجی و دانش فنی آنها ممکن است. بر همین اساس، این معضل را باید در برنامه‌ریزی‌های کشور حل کرد و هزینه آن را نیز قبول کرد.

استدلال این دیدگاه را می‌توان با عصاره‌برداری از نکات کلیدی و پیام‌های اصلی کتاب *امنیت ملی و نظام اقتصادی*، درباره موضوع، به‌ویژه فصل اول، یعنی «مروری بر مبانی نظری امنیت و تهدیدهای آن» و فصل بیست‌دوم، با عنوان «جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر امنیت ملی»، همچنین فصل‌های سوم و چهارم جلد اول، کتاب *اندیشه‌های سیاسی اسلام* و فصل‌های اول و دوم جلد دوم کتاب مزبور به شکل زیر ارائه کرد.

لازم به یادآوری است که در پیش‌گفتار کتاب، به‌خوبی از ضرورت بومی‌سازی الگوی توسعه سخن گفته، توسعه موردنظر در الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت را توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن و برای استفاده بهینه از منابع، حفاظت محیط‌زیست و رعایت پایداری محیطی، نوعی توسعه پایدار و با وجود رویکردی دانایی‌محور، توسعه‌ای دانش بنیان معرفی کرده‌اند و آن را به دلیل جامعیت نسبت به شاخص‌های توسعه انسانی و مبتنا به اصول و ارزش‌های اخلاقی و با محوریت دین مبین اسلام، نوعی الگوی بی‌بدیل معرفی کرده‌اند. ولی با ورود در اولین فصل، که مروری بر مبانی نظری امنیت ملی و تهدیدهای آن می‌باشد، بکلی مسئله را فراموش کرده، ضرورت «هم‌پیوندی با نظم نوین جهانی» را تئوریزه و پیام اصلی کتاب را «لزوم اتصال به نظم نوین جهانی و پذیرش وابستگی» بیان می‌کند.

الف. جهانی‌شدن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

ما با دنیای جهانی‌شده یا رو به جهانی‌شدن مواجه هستیم (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۴). در جهان نوین، مرزهای سیاسی دولت‌ها دیگر به

غالب‌ترین جریان‌های ایران در دوره کنونی است. این دو جریان، فشار سنگینی را برای سرعت بخشیدن برای تغییر، به سمت جهانی‌شدن در کشور پدید آورده‌اند (همان، ص ۷۱۵).

د. موقعیت جغرافیایی کشور مقتضی جهانی‌شدن

خلیج فارس، با بیش از ۷۰۰۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی، می‌تواند بیش از نیمی از کل تقاضای جهان را به تنهایی پاسخ دهد. پنج کشور ایران، عربستان، عراق، کویت و امارات متحده عربی، در مجموع ۷۲۱ میلیارد بشکه از ذخایر ۱۲۰۰ میلیارد بشکه نفت جهان را در اختیار دارند. از این پنج کشور، کشور عراق در اشغال نظامی آمریکا بوده و عربستان سعودی و کویت نیز پایگاه نظامی این کشورند. امارات متحده عربی هم حوزه نفوذ سیاست خارجی انگلستان می‌باشد. اشغال عراق و افغانستان در سال‌های اخیر، جغرافیای سیاسی منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در آینده نزدیک به نظر نمی‌رسد، آمریکا به طور کامل از این دو کشور خارج شود، گرچه صرفاً حضور نظامی خود را کم رنگ خواهد نمود. از این رو، قدرت‌های مسلط جهانی درصدد مهار کردن پنجمین کشور (ایران)، از مجموعه فوق هستند (همان، ص ۸۲ و ۸۳). با تحلیل موقعیت جغرافیای سیاسی منطقه، می‌توان به یک شناخت جامع و عینی‌تر از موقعیت ایران در منطقه دست یافت. نخست، باید به این نکته توجه داشت که داشتن درکی روشن از تعامل جغرافیا با قدرت، می‌تواند در اتخاذ راهبردهای کلان و نیل به اهداف پیش‌بینی‌شده، نقش بسیار مؤثری ایفا نماید (همان، ص ۸۴ و ۸۵).

ه. اعتمادسازی و همانندسازی مهمترین سیاست در جهانی‌شدن

جمهوری اسلامی در دنیای رو به جهانی‌شدن، با چالش‌هایی در یافتن جایگاهی مناسب برای خود در تاریخ و آینده مواجه است؛ زیرا عمده‌ترین مسئله، تسری کلیه رویه‌ها و الگوهای غالب در کشورهای پیشرفته به سایر کشورهاست (ر. ک: همان، ص ۷۱۴).

جهانی‌شدن از نظام‌های اقتصادی کشورهای پذیرنده مطالبات دارد، به‌رغم اتخاذ سیاست‌های همسو با الگوی جهانی، پیشرفت چندانی در این همانندسازی صورت نگرفته است. «جهانی‌شدن چیزی جز منطبق شرکت‌های چند ملیتی نیست» (روحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۰).

تقویت و تشدید می‌شود، به‌عنوان یک جریان غالب و تأثیرگذار خواستار ایجاد تغییراتی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع پذیرنده است (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷).

تغییر، تنها مؤلفه و عنصر ثابت جهانی‌شدن است. پیوستن به فرایند جهانی‌شدن، متضمن ایجاد تغییر و تحول نسبتاً ساختاری در عرصه‌های «اقتصاد»، «سیاست» و «فرهنگ» کشورهای پذیرنده است (همان، ص ۷۰۹). اگر کشوری معطل تثبیت و تقویت زیرساخت‌ها شود و به سرعت تغییرات مورد مطالبه جهانی‌شدن را انجام ندهد، به لحاظ امنیتی چالش برانگیز بوده و حتی در شرایطی می‌تواند برای او تهدیدزا باشد (ر. ک: همان، ص ۷۱۴). جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه تعامل با فرایند جهانی‌شدن، زمان زیادی را در اختیار ندارد (روحانی ۱۳۸۸، ص ۳۱۰).

جهانی‌شدن، یک روند رو به رشد است که در بسیاری از عرصه‌های جامعه بشری، منجر به یک سلسله تغییرات عمده خواهد شد. در روند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، سرمایه به سمت مناطقی از جهان، که از ثبات بیشتری برخوردارند، میل پیدا می‌کند. همچنین، مناطقی که محیط مناسب و تسهیلات لازم را برای تجارت و مناسبات موردنظر نظم جدید اقتصادی فراهم کرده باشند، انتخاب خواهند شد. این گرایش، منجر به تلاش کشورها برای افزایش مزیت‌های رقابتی خود، به منظور جذب سرمایه بیشتر و مشارکت گسترده‌تر در اقتصاد جهانی خواهد شد (ر. ک: روحانی، ۱۳۸۹، ص ۸۱ و ۸۰). لازمه بهره‌مندی از مزایای جهانی‌شدن، همگرایی با نظام جهانی است (همان، ص ۷۲۸).

ج. سیر تاریخی و تمایلات کشور به سمت جهانی‌شدن

به‌طور کلی، می‌توان گفت: گفتمان غالب در ۱۵۰ سال اخیر تاریخ کشور ما، گفتمان تجدد است. تبلور این گفتمان در حوزه سیاست، استقرار «دولت ملی» و برقراری نظام دموکراتیک است. دموکراسی واقعی نیز مطابق آنچه «الگوی جهانی» دیکته می‌کند، در پرتو نهادهای دموکراتیک مانند انتخابات، احزاب و مانند آنها فراهم می‌شود که شواهد امیدوارکننده‌ای از آنها، در دوران معاصر به چشم می‌خورد. تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر کشور، شاهد شکست مقاومت را «سنت» در برابر «تجدد» بوده و عناصر نظام سیاسی جدید، پیوسته خود را بر جامعه ایرانی تحمیل کرده‌اند (ر. ک: همان، ص ۷۲۰). دو مسئله جوان‌گرایی در سطح ملی و جهانی‌شدن در سطح بین‌الملل، از

در همه جهان، با اتصال به اقتصاد جهانی و بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری و تکنولوژی خارجی، مقدور و ممکن می‌باشد. لذا این عامل مهم در برنامه چهارم توسعه، بایستی به دقت مورد مذاقه قرار گیرد و جایگاه آن به وضوح برای جهانیان و سرمایه‌گذاران خارجی روشن گردد (همان، ص ۳۴۲ و ۳۴۳).

شبهه استدلال فوق، در سخنرانی خرداد سال ۱۳۹۴، توسط رئیس‌جمهور دولت یازدهم، به شکل زیر ارائه می‌شود:

ما وقتی می‌گوییم باید تحریم‌های ظالمانه رفع شود، بعضی‌ها چشماتشان زیاد نچرخد. تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط‌زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند. آنها که ملت ما را تحریم کرده‌اند، ظلم بزرگی مرتکب شده‌اند. اما عده‌ای در داخل هم نمی‌دانستند تحریم چیست (خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۱۳۹۴/۳/۱۷).

راهبردهای دیدگاه تعامل با آمریکا

در این دیدگاه، آمریکا امپراطور و کدخدای دهکده جهانی است. هر نوع تغییری که بخواهد، می‌تواند در جهان پدید آورد. دیدگاه تعامل، به شدت مرعوب و یا مجذوب آمریکاست. از نظر این دیدگاه، جهان در مقابل این قطب قدرت بلامنازع جدید باید تسلیم شود. هر کشوری که آمادگی پذیرش و برتری آمریکا را نداشته باشد، دشمن تلقی شده و با آن برخورد نظامی می‌شود. آمریکا، هیچ حد و مرز محدودکننده قدرت را در سطح جهان به رسمیت نمی‌شناسد. از جمله موانعی که در مقابل این قدرت هژمونیک وجود دارد، خاورمیانه است. سال‌های زیادی است که اولین اولویت سیاست خارجی آمریکا، بحث خاورمیانه و حل مشکلات آن است (روحانی ۱۳۸۸، ص ۲۹۸).

حمله نظامی آمریکا در براندازی حکومت طالبان در افغانستان و حمایت و کمک کشورهای اروپایی و حتی کشورهای همسایه افغانستان در این نمایش کوچک، ولی بزرگ، نشانه بارزی از شکل‌گیری یک نوع انحصار قدرت در عرصه جهانی است. با توجه به روند این‌گونه تحولات و تهدیدهای آمریکا به کشورهای که خود را با راهکارهای سیاسی بین‌المللی موردنظر آمریکا منطبق نکرده‌اند روند نظم جهانی معنا و مفهوم متفاوتی با گذشته پیدا کرده است (ر. ک: مبانی برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

اتخاذ سیاست‌هایی که بتواند ایران را از وضعیت نامطلوب تحریم‌ها خارج کند، مهم است. اعتمادسازی بین‌المللی، از مهم‌ترین این سیاست‌هاست تا بدین وسیله از پیامدهای آن کاسته شود. کوشش برای تغییر شرایط فعلی و خروج از وضعیت تحریم، از الزامات جدی کشور می‌باشد (ر. ک: روحانی ۱۳۸۹، ص ۷۲۹).

از این رو، مسئله حرکت به سمت آزادی‌های گسترده، در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. به نظر می‌رسد، با تحولات صورت‌گرفته در عرصه فناوری اطلاعات و گسترش روزافزون ارتباطات، فرایند درهم‌آمیزی با نظام جهانی بیش از پیش سرعت یابد (ر. ک: همان، ص ۷۱۴ و ۷۱۵).

اگر در طی زمان تعیین‌شده در برنامه‌ریزی، ورود سرمایه به کشور صورت گیرد و ساختار تولید بهبود یابد، می‌توان امیدوار بود شاخص‌هایی از قبیل نرخ بیکاری، نرخ تورم، فقر و فاصله طبقاتی نیز بهبود یابند. شاخص‌هایی که بهبود آنها پیش از ورود به عرصه اقتصاد جهانی، از دیدگاه امنیتی کاملاً لازم و ضروری است (ر. ک: همان، ص ۷۲۹).

نظر به در خطر افتادن منافع اقتصادی و سیاسی برخی اقشار و گروه‌های اجتماعی، در اثر هم‌پیوندی با نظام جهانی، ندای مخالف‌خوانی نیز از گوشه و کنار شنیده می‌شود. البته ندای مخالفان، به واسطه ناهمخوانی و ناسازگاری الگوهای تحمیلی نظام جهانی با ساختارها و خصلت‌های نهادینه‌شده کشور، در برخی زمینه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی و خودداری از ایجاد تغییر رساتر نیز شده است (ر. ک: همان، ص ۷۲۷ و ۷۱۶).

خلاصه استدلال

عصاره استدلال فوق، در مبانی برنامه چهارم توسعه، به این شکل آمده است: «ستیزه‌جویی و جزمیت‌گرایی متعصبانه به شکل بنیادگرایی و یا قوم‌گرایی، هر دو وجود منابع امنیتی و ارزش‌های ملی - مذهبی - قومی کشور را به‌خطر می‌اندازد. (مبانی برنامه چهارم، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴). ایران ذاتاً باید طرفدار تغییر وضع موجود خود، در قالب حفظ وضع موجود بین‌المللی باشد. تعارض‌گری ستیزجویانه، به انحطاط ایران دامن خواهد زد (همان، ص ۳۳۹).

امروزه بر همه مسئولان جمهوری اسلامی ایران اثبات شده که کشورمان در تقابل با قدرت آمریکا و اسرائیل، با حالت انزوا و صرفاً متکی بر خود، قادر نخواهد بود مسائلی از قبیل فقر، بیکاری، عدم توسعه، عدم تولید، عدم صادرات و... را حل نماید. حل معضلات فوق

ضرورت تمکین نسبت به معیارهای نظم جهانی

در این نگاه، جهانی شدن یک پدیده خودجوش است و قدرت‌های بزرگ، این حرکت را تسریع می‌بخشند. پیشرفت و رفاه از طریق قرار گرفتن در دهکده جهانی و جهانی شدن پدید می‌آید. هر کشوری، در صورتی از مزایای جهانی شدن استفاده می‌کند که بتواند همگرایی خود با نظام جهانی را به اثبات برساند. جهانی شدن، تغییراتی در ساختارهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی را مطالبه می‌کند. در فرایند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، سرمایه به سمت مناطقی از جهان میل پیدا می‌کند که محیط مناسب و تسهیلات لازم را برای تجارت و مناسبات موردنظر و نظم جدید اقتصادی فراهم کرده باشد، و نسبت به معیارهای نظم جهانی بیشتر تمکین کند.

کشورهایی که از قدرت نظامی اقتصادی و فرهنگی علمی بیشتری برخوردار هستند، می‌توانند در تنظیم قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل نقش عمده‌ای ایفا نمایند. سایر بازیگران صحنه بین‌الملل، در صورت عدم تمکین به این اصول، با انزوای بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی و حتی تهاجم نظامی قدرت‌های برتر مواجه می‌شوند (همان، ص ۴۸).

تغییر ساختار با کاهش قدرت بخش سنتی حاکمیت

در راهبرد تعامل و تأکید بر قرار گرفتن در نظم نوین جهانی، تقریباً جایی برای بخش سنتی حاکمیت باقی نمی‌ماند؛ چراکه در نوسازی، به تعبیر معتقدین به تعامل با آمریکا: «تغییر کیفی حاکمیت‌ها و اهمیت یافتن نقش قابلیت‌های خوب حاکمیتی و ضرورت تجدید ساختار بافت سنتی حاکمیت‌ها، ... از جمله ملاحظات است که نظم جهانی بر آن تأکید خاصی دارد. اولویت‌های امنیت ملی، ماهیت فراملیتی پیدا می‌کند. ضرورت اتخاذ سیاست‌های همه‌جانبه‌نگر اجتناب‌ناپذیر می‌باشد» (مبانی برنامه چهارم، ۱۳۸۳، ص ۴۲). فلسفه این راهبرد، مانند سایر راهبردها تأمین امنیت ملی کشور است که ماهیت فراملیتی پیدا می‌کند. از آنجاکه کاهش قدرت بخش سنتی حاکمیت، یعنی ولایت فقیه و بازان او، مانند سپاه پاسداران، از معیارهای نظم نوین جهانی است، از نظر دیدگاه تعامل، امنیت ملی کشور اقتضا می‌کند که امکانات در اختیار این بخش از حاکمیت قرار نگیرد.

حکومت خوب شامل حاکمیت قانون، کنترل فساد، کارآمدی بخش عمومی، رسایی صدای شهروندان به مسئولان و دموکراسی

مهم‌ترین ویژگی نظام بین‌المللی تسلط تقریباً کامل قدرت آمریکا بر نظام بین‌الملل و عدم وجود قدرت متعادل‌کننده در برابر این کشور می‌باشد (همان، ص ۵۳ و ۵۴).

این دیدگاه، به شدت مرعوب هژمونی آمریکاست و معتقد به لزوم انطباق رویکردها، در مسائل داخلی و خارجی منطبق با معیارهای استکبار جهانی است. معتقد است:

تحولاتی که در چند سال اخیر در منطقه خاورمیانه و در همسایگی ایران شاهد بوده‌ایم، دلالت بر این دارد که در آینده فشار نظم جهانی بر نظام‌های حاکمیتی که رویکردهای خود را در ارتباط با مسائل خارجی و حتی داخلی منطبق با معیارهای جهانی مورد تعدیل قرار ندهند افزوده خواهد شد (همان، ص ۴۲).

در این دیدگاه، گرایش انقلاب به سمت مستضعفان و عدم اقدام نسبت به تعامل با آمریکا اشتباه بوده و ضرورت دارد با پذیرش معیارهای نظم جهانی، هر چه سریعتر این نقیصه در جمهوری اسلامی برطرف گردد:

سال‌هاست که جمهوری اسلامی ایران، با فرض تعارض اصلی با آمریکا، به دنبال شریک استراتژیک در جهان می‌باشد. ابتدا مستضعفین و مسلمین، سپس کوبا، ویتنام و کره شمالی، بعداً چین و روسیه، و نهایتاً اروپا و فرانسه، به عنوان مؤلفه‌های قدرت ایران جهت مقابله با آمریکا و اسرائیل، انتخاب شدند. قطعنامه اوایل خرداد ۱۳۸۲ شورای امنیت، که از لحاظ حقوقی قیومیت آمریکا را بر عراق به رسمیت شناخت، و موضعگیری غیردوستانه سازمان کنفرانس اسلامی در همین زمان، نشان داد که این دولت‌ها نیز صلاح می‌دانند به همکاری متقابل با آمریکا روی آورند. در نتیجه، ایران بار دیگر تنها گردیده است. تجربه بیش از دو دهه نشان داده، هیچ شریکی در میان قدرت‌های درجه دوم نظیر اروپا، روسیه، چین، ژاپن، و... حاضر نخواهند بود در وضعیت حاضر «شریک استراتژیک» جمهوری اسلامی ایران شوند. رمز این گمشده را بالاخره در یکی از برنامه‌های توسعه‌ای پنج ساله، بایستی به درستی نگریست و از چرخش در دایره باطل پرهیز کرد (همان، ص ۳۴۳).

بدیهی است که خروج از دایره باطل، چیزی جز تعامل مستقیم با آمریکا نمی‌باشد. از نظر این دیدگاه، «وابستگی‌های جهانی نه تنها اجتناب‌ناپذیر، بلکه برای رشد و تعالی اقتصادی یک اصل است» (همان، ص ۳۵).

و به عنوان رهبر جامعه، من هم اطاعت می‌کنم. من هم می‌شنوم و اجرا می‌کنم. انتخاباتی که ما امروز به دنبالش هستیم و آراء مردم، هیچ پیروی از تفکر غرب نیست. رأی مردم و نظر مردم هدیه دنیای غرب بعد از رنسانس برای ما نیست، ما دارای مذهب و مرام و دینی هستیم که امیرالمؤمنین مبنای حکومت و فرمانروایی را، رأی مردم و خواست مردم و آراء مردم می‌داند (روحانی، ۹۶/۳/۲۶).

اصولاً در مبنای برنامه چهارم توسعه، از ولایت فقیه با تعبیرهایی از قبیل «خلافت‌گرایی، امامت مذهبی، اقتدارگرایی، ارادت مینا»، نام می‌برد. در پیش نویس برنامه ششم توسعه، تصریح شده است که به منظور «هم پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخش‌های مختلف»، مدیرعامل سازمان‌های مناطق آزاد، به نمایندگی از سوی دولت، بالاترین مقام منطقه محسوب می‌شود و همه تصمیم‌گیران اجرایی، اعم از فرماندار و بخشدار و حتی نمایندگان و نهادهای تحت امر مقام معظم رهبری، باید تحت امر مدیر عامل سازمان‌های مناطق آزاد باشند. به عبارت دیگر، نهادهای تحت امر مقام معظم رهبری، نباید در امور مناطق آزاد دخالت کنند و مانعی بر «هم‌پیوندی و تعامل با اقتصاد جهانی» باشند.

در پیش‌نویس برنامه ششم توسعه، به عدم دخالت مقام ولایت در مناطق آزاد اکتفا نمی‌شود، بلکه تلاش بر این است که مقام ولایت، در مباحث فرهنگی کشور نیز ورود پیدا نکند. به همین دلیل در تبصره ۳۵، به بهانه ایجاد هماهنگی، هم‌افزایی و وحدت رویه، نسبت به ساماندهی دستگاه‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی، دارای وظایف همگن در بخش فرهنگ، دولت کمیته‌ای متشکل از سازمان برنامه، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل دهد تا نسبت به مطالعه و احصاء فعالیت‌های دستگاه‌های مربوط و فراهم آوردن زمینه‌های سامان‌دهی آنها، از جمله دریافت اذن مقام معظم رهبری، در خصوص نهادهای تحت نظر معظم له، تا پایان سال اول و اجرایی کردن آن، حداکثر تا پایان برنامه ششم اقدام نماید.

سرانجام، راهکاری که برای کاهش قدرت ولی فقیه در جمهوری اسلامی ارائه می‌شود، راهکار تنگنای بودجه‌ای است. با حذف بودجه ولی فقیه و کاهش نقش او و نمایندگی‌های تحت امر او، قدرت ولی فقیه و به اصطلاح، بخش سنتی حاکمیت، در جمهوری

می‌شود (ر.ک: روحانی، ۱۳۸۹، ص ۴۹۶). منظور از حاکمیت قانون «سنجش آرامش خاطر و امنیت روحی و روانی است که در جامعه ایجاد می‌شود» (همان، ص ۵۰۰). پیوند دولت و جامعه، قراردادی اجتماعی است. طبیعی است که وجود آن، موجب از دست دادن بخشی از آزادی‌های مربوط به هویت فردی و در مقابل، کسب بخشی از مزیت‌های جمعی است که یکی از آنها، الزام دولت به بالا بردن رفاه و کیفیت زندگی مردم است. در این قرارداد، اصل بهبود کیفیت زندگی، به عنوان یک پیش شرط کاملاً پذیرفته شده است. بنابراین، عملکرد هر نوع حکمرانی‌ای، که به افت کیفیت زندگانی منجر شود (براساس همان قرارداد اجتماعی)، مشروعیت حکمرانی آن (به عنوان نماد هویت جمعی) مورد تردید قرار دارد (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۵۰). توجه به فاصله زمانی ۱۴ قرن، بین سال‌های حکمرانی پیامبر اکرم ص و امام علی ع تا تولد نظریه حکمرانی و تشابه فراوان آموزه‌های پیامبر گرامی اسلام ص پایه‌های حکومت اسلامی را بر رضایت و خواست مردم استوار کردند. به گونه‌ای که مردم با بیعت کردن، حمایت و خواست خود را در تشکیل حکومت اعلام می‌داشتند. حتی در مورد حاکمان پس از پیامبر ص نیز مردم دارای نقش بودند، به گونه‌ای که آنان به تبعیت از سنت پیامبر ص برای تعیین خلیفه به وسیله «بیعت»، «پشتوانه مردمی» می‌یافته‌اند. به روایت تاریخ، سال‌ها پس از رحلت پیامبر ص، علی ع در شرایطی زمامداری جامعه را پذیرفت که مردم بر زمامداری وی اتفاق کرده بودند. ... ولایت امام علی ع شرط لازم برای اقامه حکومت بود، اما شرط کافی نبود مگر اینکه مردم بیعت کنند که در آن صورت، امام علی ع وظیفه می‌یافت برای برقراری حکومت اقدام کند. بنابراین، ولایت توأم با بیعت مردم، به حکومت منجر می‌گردد (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۵۱). گرچه عبارت فوق، ابهام تفکیک مشروعیت و مقبولیت دارد، ولی در سخنرانی دیگر، شفاف‌تر از گذشته، اعتقاد خود نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علی ع و طبعاً جانشینان پیش از غیبت و پس از غیبت را با صراحت بیشتری بیان کردند.

وی در ایام شهادت امیرمؤمنان علی ع در خرداد ۱۳۹۶، در جمع استادان و پزشکان می‌گوید:

امیرالمؤمنین مبنای ولایت و مبنای حکومت را نظر مردم می‌داند «و لعلی اسمعکم و اطوعکم لمن ولیتموه امرکم»؛ هرکسی که شماها بروید او را برگزینید؛ به عنوان ولی خودتان

ملی، به معنای کاهش مرزهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها و یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی، وابستگی متقابل جهانی، تبدیل کنوانسیون‌های بین‌المللی به قوانین داخلی کشورها (ر.ک: روحانی ۱۳۸۹، ص ۴۲-۴۶)، همراه با پذیرش ویژگی‌های حکمرانی مطلوب (همان، ص ۵۲۳-۴۹۶)، و رویکرد نهادگرایی و کینزی در الگوی توسعه (همان، ص ۷۶۸-۸۰۴)، شاهدهی بر دیدگاه انتظار حداقلی از دین است. این ایده‌ها، نشان می‌دهد که این نگاه، دین و انتظار از دین را به مسائل عبادی و تنظیم رابطه انسان با خدا و آبادانی آخرت محدود ساخته است.

از نظر این دیدگاه، جهانی شدن یک ضرورت است. جهانی شدن در بُعد فرهنگی، یعنی گسترش ارزش‌های جهانی، ارزش‌هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی و حتی سکولاریسم با سیستم ارتباطی قدرتمندی که در اختیار دارند، به تدریج تلاش می‌کند تا همه این موارد را به صورت یک ارزش جهانی معرفی نمایند به گونه‌ای که گویی یک فرهنگ بین‌المللی و انسانی است و هر دولتی که به این ارزش‌ها احترام نگذارد، گویی از مسیر تمدن جهانی فاصله گرفته، مستحق مجازات است (ر.ک: روحانی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۶).

در مبانی برنامه چهارم توسعه، نه تنها در موارد متعدد به لزوم جدایی دین از سیاست تصریح شده که سه مدل «دولت - ملت»، «همان، ص ۴۱۰» «دولت مجازی روزگراس» (همان، ص ۴۰۰) و «عرفانی ایرانی» (همان، ص ۳۵۳) را به عنوان الگوهای جایگزین برای به اصطلاح کتاب، «بنیادگرایی اسلامی» پیشنهاد می‌دهد. جالب اینکه ویژگی‌های دو دولت اول را شمارش می‌کند و دو ویژگی سکولاریسم و امانیسم را از مزایایی آنها برمی‌شمارد (ر.ک: همان، ص ۴۱۰).

آقای روحانی، در میان سه گزینه «همگونی فرهنگی»، «خاص‌گرایی فرهنگی» و «آمیزش و تعامل فرهنگی»، گزینه سوم را انتخاب می‌کنند (ر.ک: روحانی ۱۳۹۳، ص ۷۲۲). جهان امروز، عصر «وابستگی متقابل» است و هر کشو و ملت، همواره باید «مزیت‌های نسبی» خود را در عرصه اقتصاد، فرهنگ و سیاست مشخص کند؛ زیرا بدون آن، همه طرح‌ها و برنامه‌ها نقش بر آب می‌شود. ما چه بخواهیم یا نخواهیم، اقتصاد، فرهنگ و سیاست کشور با جهان پیوند دارد. هر چه به گستره علم و دانش فنی افزوده می‌شود. جهان کوچکتر می‌شود و در این مکان کوچک به نام سیاره زمین، همه چیز رنگ و بوی جهانی دارد (همان، ص ۷۲۶).

اسلامی کاهش و نقش او به آرامی، به نقش یک بخش تشریفاتی تبدیل می‌شود. این امر، نه تنها به تفکیک دین از سیاست نیز کمک خواهد کرد که مهم‌ترین شاخص برای اقدام در این جهت است. در مبانی برنامه چهارم توسعه، پیشنهاد حذف بودجه‌های متعلق به رهبری شده و آمده است:

و سرانجام به‌رغم نگرش تلفیقی نسبت به رابطه مذهب با سیاست، تمایز کارکردی این دو نهاد را باید از هم باز ساخت. مهم‌ترین شاخص برای اقدام، یادآوری این نکته مهم است که به عنوان مسئولین دولتی عنایت شود، مالیاتی که گرفته می‌شود و منابعی که در قالب نهاد دولت خرج می‌شود، معطوف به چه هدفی است. این امر، به ما یاری خواهد کرد که در خصوص مناصب سیاسی خود، که از مالیات و اموال عمومی ملت تأمین می‌شود، با امامت مذهبی که از وجوه شرعی تغذیه می‌شود، و باری رسانی به مستضعفین که مسئولیت کمیته‌های امداد است، و با صدقات تأمین می‌شوند، تفاوت قائل شویم. دولت نهادی است که با رأی شهروندی ملت ایجاد می‌شود (مبانی برنامه چهارم، ۱۳۸۳، ص ۴۰۹).

جدایی دین از سیاست

اعتقاد ما بر این است که دین اسلام و آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و امامان معصوم علیهم‌السلام این جامعیت و توانایی را دارد که در قلمروهای گوناگون مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، و دنیایی و اخروی، انسان را به سعادت راستین رهنمون گردد. قلمرو دین در ساحت اعتقادات و احکام شرعی و ارزش‌های اخلاقی، حداکثری است؛ یعنی همه گزاره‌های لازم برای سعادت انسان، و همه احکام شرعی در عرصه‌های فردی و اجتماعی، شامل احکام عبادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و مدیریتی را در سه گستره احکام اولی، ثانوی، و حکومتی بیان کرده است.

اسلام با تأکید بر ارتباط حقیقی میان دنیا و آخرت و آموزه‌های دربردارنده ابعاد گوناگون کمال انسان، هم به سعادت او در جهان ماندگار و هم به نیکبختی او، در همین جهان بها می‌دهد. پس اسلام با سکولاریسم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، که فعالیت دین را در امور فردی منحصر می‌داند، سر سازگاری ندارد.

در نگاه تعامل، پذیرش مبانی نظم نوین جهانی، کاهش حاکمیت

یازدهم و کریستی پلوسی، دختر رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا رد و بدل شد. همچنین، نشانه‌های متعدد دیگر، که نشان از تلاش برای حساسیت‌زدایی نسبت به مسئله رژیم صهیونیستی است که در این وجیزه نمی‌گنجد.

توقف صنایع موشکی و کاهش هزینه‌های نظامی

از نظر این دیدگاه، به علت حضور آمریکا و تغییر مدل جنگ، امروز سرمایه‌گذاری در امور نظامی و ارتقای تکنولوژی و قدرت نظامی برای ایران، به یک هزینه پردردسر و خطرناک برای امنیت ملی و ملت تبدیل شده است. آنان معتقدند: «فروپاشی شوروی، سرنوشت عراق و تدبیر چین در تحول از یک قدرت نظامی، به قدرت اقتصادی، می‌تواند بسیار آموزنده باشد. ایران می‌تواند با کاهش شدید هزینه‌های نظامی، به حدود بیست درصد (۲۰٪) فعلی و اعمال استراتژی دفاع غیرتحریک‌آمیز، کلیه مرزهای هوایی و زرهی خود را از لحاظ نظامی بیمه کند.

در ازای این تغییر استراتژی سرنوشت‌ساز، ایران با خروج از بازی قدرت تعارضی (منفی)، به عرصه بازی تعاونی مؤثر و مثبت منطقه‌ای، در بستر نظام بین‌الملل جهانی نائل می‌آید (همان، ص ۳۵۴).

از نظر این دیدگاه، تجربه حمله به افغانستان و عراق، حاکی از این است که ارتش‌های کلاسیک و نیروهای نظامی متعارف، در تقابل با تفوق تکنولوژی نوین جنگی و «جنگ تکنولوژیک»، هیچ‌گونه کارایی ندارند (ر. ک: همان، ص ۳۴۹). به نظر آنها، قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها در برابر آمریکا، که در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای مانند پاکستان و ترکیه هم ناچیز است. دلیل ناتوانی نظامی جمهوری اسلامی ایران، دور بودن از اتحادها و تنظیمات امنیتی جهان و در نتیجه، عدم امکان استفاده از تکنولوژی‌های فوق مدرن و خلاصه، عدم اتصال به قدرت‌های بزرگ است. به همین دلیل، تصریح شده که «با توجه به حضور نظامی آمریکا در منطقه، ایران به لحاظ نظامی، امکان اعمال هیچ اراده مثبت و نافی را ندارد» (ر. ک: همان، ص ۳۴۹).

برخی ادعاها حاکی از این است که دولت یازدهم، از زمان روی کار آمدن خود، بودجه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را تا شش و نیم برابر، نسبت به دولت قبل کاهش داده، به طوری که بودجه ۱۳ هزار میلیارد تومانی وزارت دفاع در سال ۱۳۹۲، که لایحه

از نظر این دیدگاه، در سال ۱۳۵۹ که قرار شد دانشگاه «اسلامی» شود، انحراف انتظارات نابجا از دین پدید آمد. در این انحراف، «بعضی می‌خواستند متون درسی را که مربوط به علوم برای شناخت طبیعت و جهان است، با مراجعه به متون دینی تدوین کنند؛ به این استدلال که دین همه چیز را برای ما تبیین و تشریح کرده است (روحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۹).

از نظر این دیدگاه، تحولات فکری فلسفی در ایران و فرهنگ غنی عرفان ایرانی، همراه با ظرافت ذهنی، می‌تواند ایران را به عنوان مدل فرهنگی معنابخش در منطقه درآورد. در این دیدگاه، غلبه انقلابیون مسلمان یا به تعبیر مبانی برنامه چهارم، «گروه‌های بنیادگرا و سنتی سیاسی شده»، بر عرصه سیاسی تأسف‌آور اعلام شده و به تعبیر آنها، این غلبه موجب شده است تا «بنیادگرایی ایدئولوژیک و دگرسبزی» به جای «معنابخشی عرفانی و چارچوب بخشی فلسفی» بنشیند و موجب شود ایران متهم به همکاری با تروریسم منطقه معرفی گردد (مبانی برنامه چهارم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۳).

استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب

در مبانی برنامه چهارم، چنین تصریح شده است: «وزارت خارجه عملاً نشان دهد که ایران قصد براندازی نظم و نظام موجود را ندارد. استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب، برای مبارزه با شمال و به جای آن اعلان استراتژی گفت‌وگو برای همکاری در تمدن مشترک جهان و همزیستی فرهنگی» (همان، ص ۴۲۵). طبیعی است که استراتژی فوق، از معیارهای اصلی آمریکا و همپیمانانش می‌باشد.

در پیش‌نویس برنامه ششم، وزارت امور خارجه موظف به «بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر جهانی» می‌شود. همچنان که شواهد فراوان، گواه این است که دستگاه دیپلماسی دولت یازدهم در راستای عملیاتی کردن پیشنهاد فوق عمل کرده است.

حساسیت‌زدایی نسبت به رژیم صهیونیستی

در استراتژی جدید آمریکا، محوریت خاصی به اسرائیل، به عنوان تنها تکیه‌گاه آمریکا در منطقه داده شده و آمریکا مصمم است، آینده اسرائیل را بلامناع، و بر همه کشورهای خاورمیانه از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی برتری بخشد (همان، ص ۳۴۲).

گفت‌وگوهای تبریک‌گونه توثیقی، میان برخی مسئولان دولت

آن را دولت دهم به مجلس ارائه داده بود، در دولت یازدهم در سال ۹۳، با کاهش یازده و شش (۱۱/۶) میلیارد تومانی، یکبار به ۲ هزار میلیارد تومان کاهش می‌یابد. این عدد در سال ۹۵، به سه و یک (۳/۱) میلیارد دلار می‌رسد که باز هم نسبت به سال ۹۲، که دلار ۱۴۶۴ تومانی را در قانون بودجه خود داشت، فاصله اسمی ده و شش (۱۰/۶) هزار میلیارد تومانی را دارد و با اضافه شدن این اعتبار، ۵ هزار میلیارد تومانی باز هم بودجه وزارت دفاع نسبت به سال ۹۲، فاصله اسمی پنج و شش (۵/۶) میلیارد تومانی باقی خواهد ماند (سایت خبری تحلیلی عصر امروز، ۲۱ تیر ۱۳۹۵، کد خبر ۸۳۸۶۰).

بررسی دیدگاه تعامل

مبانی، اهداف و راهبردهای این دیدگاه به قدری شفاف بیان شده که بطلان آن نیاز به بررسی و نقد جزء به جزء ندارد. ما معتقدیم که دین اسلام و آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و امامان معصوم علیهم‌السلام این جامعیت و توانایی را دارد که در قلمروهای گوناگون مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی، انسان را به سعادت راستین رهنمون گردد. پذیرش مبانی نظم نوین جهانی، کاهش حاکمیت ملی، به معنای کاهش مرزهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها و یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی، وابستگی متقابل جهانی، تبدیل کنوانسیون‌های بین‌المللی، به قوانین داخلی کشورها، همراه با پذیرش ویژگی‌های حکمرانی، که بر مبانی سکولاریسم استوار است، و رویکرد نهادگرایی و کینزی در الگوی توسعه، تردیدی در پذیرش گونه‌ای از جدایی دین از سیاست توسط این دیدگاه باقی نمی‌گذارد. رویکردی که دولت اصلاحات، دولت یازدهم و دوازدهم، نمونه عملیاتی‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای دیدگاه تعامل هستند.

دولت یازدهم و هم‌اکنون دولت دوازدهم، تابلوی شفاف و صریحی که در مقابل کوتاه آمدن از داشته‌های هسته‌ای، چه دریافتی داشتیم و زیاده‌خواهی‌های آمریکا و خوی استکباری او مسئله موشکی و حقوق بشری را پیش کشید و آنچه به ظاهر در برجام به دست آمده بود، به سرعت در چند مرحله از دست رفت. طبیعتاً برجام‌های دیگر نیز سرنوشتی جز برجام هسته‌ای نخواهد داشت.

تلاش دولت یازدهم و دوازدهم، در اجرایی کردن راهبردهای فوق است. بخشی از این تلاش، در پیش‌نویس برنامه ششم و بخش دیگر، از طریق امضای معاهده‌های بین‌المللی و بخشی در عمل،

به‌ویژه در سیاست خارجی مشهود است. در تبصره ۲۹ پیش‌نویس برنامه ششم توسعه، «بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر جهانی»، از وظایف وزارت امور خارجه بیان شده است.

همچنین، در تبصره ۳۴ پیش‌نویس برنامه ششم توسعه، راهبرد اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و محقق شدن ارتقای بهره‌وری موجود، در این سیاست‌ها را موقوف به اتصال به زنجیره تولید بین‌المللی کرده است.

پیش‌نویس برنامه ششم، تا آنجا پیش رفت که مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را برای تعامل با اقتصاد جهانی، به یک سلول بنیادین تعامل با قدرت‌های مؤثر جهانی تبدیل کند و با توسعه این مناطق، این سلول را تکثیر و به سایر کشور پمپاژ کند.

این روش بر مبنای این دیدگاه است که اگر کشورهایی شرایط موردنظر اقتصاد جهانی را در سرتاسر قلمرو خود نپذیرند و بکوشند از طریق محدوده‌های جغرافیایی مشخصی مشارکت خود را در چارچوب اقتصاد بین‌الملل تنظیم کنند. این محدوده‌های جغرافیایی در واقع به عنوان یک مبدل برای تبدیل جریان‌های درون سیستم اقتصاد بین‌المللی و بر عکس عمل خواهند کرد (روحانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۲و۸۱).

دیدگاه تعامل در تلاش بود تا با نشان دادن روی خوش، به اصطلاح همسایگانی مانند عربستان، زمینه را برای بهبود شرایط فراهم سازد. ولی امروز بر همگان آشکار است که حاصل چهار سال سیاست منفعلانه، در برابر زیاده‌طلبی‌های آل سعود، این شد که حدود ۵۰ کشور را با اربابشان جمع و علیه کشور ما برای مقابله با ایران بسیج می‌کنند. آنها آشکارا و بدون پروا اعلام کردند که داخل ایران را ناامن خواهند کرد و عملیات حمله به حرم امام راحل و مجلس شورای اسلامی را راهبری کردند. اگر نبود نقاط قوت و اقتدار کشور، هر لحظه ممکن بود، سیاست تعامل به جنگ تمام عیار منتهی شود.

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، به خوبی می‌داند که ملاک و معیار گفت‌وگو، برای موردی است که دولت بخواهد مطالبی، که شفاف نیست، شفاف‌سازی شود. در پرونده جمهوری اسلامی ایران، کدام نقطه ابهام حقوق بشری یا تروریستی و حمله به منافع همسایگان یا دیگران، وجود داشت؟ *آقای روحانی*، تصریحات فراوانی دارند. از جمله در سخنرانی ۱۱ اسفند ۱۳۹۲، در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی، چنین بیان می‌کنند:

خودشان، متأسفانه به این نتیجه می‌رسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کمتر از نصف برسانند. شما مواجه می‌شوید با یک چنین مشکلی. وقتی نگاه به بیرون باشد، این است. وقتی شما نگاه به درون کردید، دیگر این جور نیست. امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرت‌های مستکبر می‌خواهند همین نگاه دوم را در مردم ما تقویت کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دیدگاه «تعامل با آمریکا»، یا به تعبیر پیش‌نویس برنامه ششم، «تعامل با قدرت‌های مؤثر جهانی»، دیدگاه مقابل دیدگاه اقتصاد مقاومتی است. در این نگاه، مشروعیت یک نظام در کارآمدی آن است. کارآمدی با هماهنگی افکار عمومی است و افکار عمومی در صورتی همراه است که رفاه و پیشرفت حاصل شود. پیشرفت و رفاه، از طریق قرارگرفتن در دهکده جهانی و جهانی شدن پدید می‌آید. جهانی شدن، یک پدیده خودجوش است و قدرت‌های بزرگ، این حرکت را تسریع می‌بخشند. در جهانی شدن حرکت به سمت یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌هاست و همگرایی و وابستگی متقابل جهانی، تا آنجا پیش می‌رود که کنوانسیون‌های بین‌المللی، همانند قوانین داخلی کشورهای عضو می‌شود.

«جهانی شدن» تغییراتی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای را مطالبه می‌کند. هر کشوری، در صورتی از مزایای جهانی شدن می‌تواند استفاده کند که بتواند همگرایی خود با نظام جهانی را به اثبات برساند. در فرایند یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، سرمایه به سمت مناطقی از جهان میل خواهد کرد که نسبت به معیارهای نظم جهانی بیشتر تمکین کند. طرفداران دیدگاه تعامل با آمریکا و متحدان آن، استدلال می‌کنند که جهانی‌سازی شروع شده تحولات به زیان کشورهایی است که در تعامل با قدرت‌های مؤثر، در دهکده جهانی تعلل کنند. خلاصه این‌که از نظر دیدگاه تعامل، ستیزه‌جویی و جزمیت‌گرایی متعصبانه، به شکل بنیادگرایی منابع امنیتی کشور را به خطر می‌اندازد. ایران ذاتاً باید طرفدار تغییر وضع موجود خود، در قالب حفظ وضع موجود بین‌المللی باشد. تعارض‌گری ستیزه‌جویانه به انحطاط ایران دامن خواهد زد.

دیدگاه تعامل به شدت مرعوب و یا مجذوب آمریکاست و معتقد به لزوم انطباق رویکردها، در مسائل داخلی و خارجی منطبق با

کشورهای صنعتی همواره برای حفظ سلطه و قدرت، چون علم و فناوری قدرت‌آفرین و توسعه‌آفرین است، آن را حق انحصاری خود دانستند، تا جایی که دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی آنها، به خود اجازه می‌دهند اندیشمندان و دانشمندان ما را ترور کنند تا توسعه و پیشرفت در این کشور تحقق نیابد. همه آنها می‌دانستند که علم و فناوری هسته‌ای در این کشور، در مسیر صلح‌آمیز است و در این تردید نداشتند. هزارها ساعت اژانس در این کشور بازرسی و بررسی کرد و اعلام کرد هیچ نوع علامت برای انحراف از مسیر صلح‌آمیز به سمت نظامی و دایورژن تحقق پیدا نکرده است و فعالیت صرفاً صلح‌آمیز است. پس برای چه دانشمندان ما را ترور کردید و برای چه متخصصان موشکی ما را که این موشک صرفاً برای دفاع از کشور بوده است و خواهد بود از بین بردید. بنا بود زکات علم ترویج آن باشد و شما در «ان‌پی‌تی» امضاء دادید و تعهد کردید که فناوری صلح‌آمیز را در اختیار کشورهایی که دارنده این فناوری نیستند، قرار بدهید و امضاء خود را زیر پا گذاشتید.

آیا این سخن جناب روحانی کافی نبود که آنها در «ان‌پی‌تی» امضاء داده بودند و تعهد کرده بودند که فناوری صلح‌آمیز را در اختیار کشورهای که دارای این فناوری نیستند، قرار بدهند و امضای خود را زیر پا گذاشتند؟ چگونه است که امضای مجدد اینها و تعهد جدید اینها معتبر می‌شود؟

مقام معظم رهبری نسبت به نگاه تعامل و گفت‌وگو در حرم مطهر ثامن‌الحجج، علی‌بن موسی الرضا^ع در نوروز ۱۳۹۴ طرح موضوع کرده و فرمودند:

امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. همین تحریم‌هایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرت‌های خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حد کم قانع نیستند. وقتی که شما نگاه می‌کنید به بیرون، مواجه می‌شوید با یک مسئله‌ای مثل کاهش قیمت نفت. ناگهان قدرت‌های مستکبر با همراهی ایادی منطقه‌ای

منابع.....

- بیانات مقام معظم رهبری، در: Khamenei.ir.
خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۹۴/۳/۱۷.
روحانی، حسن و همکاران، ۱۳۸۹، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
روحانی، حسن، ۱۳۸۸، *اندیشه سیاسی اسلام (مبانی نظری)*، تهران، کمیل.
سایت خبری تحلیلی عصر امروز، دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۵.
ستاد برنامه ششم، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۴، *متن کامل لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه*.
معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۳، *مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه*.

معیارهای استکبار جهانی است. این دیدگاه معتقد است: در آینده فشار نظم جهانی بر نظام‌های حاکمیتی، که رویکردهای خود را در ارتباط با مسائل خارجی و حتی داخلی منطبق با معیارهای جهانی مورد تعدیل قرار ندهند، افزوده خواهد شد.

از نظر این دیدگاه، اگر ما بخواهیم مسائلی از قبیل فقر، بیکاری، عدم توسعه، عدم تولید، عدم صادرات را حل کنیم، جز با اتصال به اقتصاد جهانی و بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری و تکنولوژی خارجی، مقدور نیست. عمده معیارهای نظم جهانی عبارتند از: استعفا از نقش رهبری دنیای جنوب، کنار گذاشتن تنش با اسرائیل، کاهش قدرت بخش سنتی حاکمیت، جدایی دین از سیاست و کاهش هزینه‌های نظامی. در صورت عدم تمکین نسبت به معیارهای فوق کشور با انزوای بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی و حتی تهاجم نظامی قدرت‌های برتر مواجه می‌شود. ما معتقدیم که دین اسلام و آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و امامان معصوم علیهم‌السلام این جامعیت و توانایی را دارد که در قلمروهای گوناگون مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی، انسان را به سعادت راستین رهنمون گردد. پذیرش مبانی نظم نوین جهانی، کاهش حاکمیت ملی، به معنای کاهش مرزهای سیاسی دولت‌ها و ملت‌ها و یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی، وابستگی متقابل جهانی، تبدیل کنوانسیون‌های بین‌المللی، به قوانین داخلی کشورها، همراه با پذیرش ویژگی‌های حکمرانی، که بر مبنای سکولاریسم استوار است، و رویکرد نهادگرایی و کینزی در الگوی توسعه، تردیدی در پذیرش گونه‌ای از جدایی دین از سیاست توسط این دیدگاه باقی نمی‌گذارد. رویکردی که دولت اصلاحات، دولت یازدهم و دوازدهم، نمونه عملیاتی‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای دیدگاه تعامل هستند.